

بازتاب تشیع در سروده‌های پارسی و تازی شیخ بهائی

(ص ۳۱۸ - ۲۹۹)

محمد حسن فؤادیان^۱، صابره سیاوشی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

دانشمند برجسته «عبدالصمد جبل عاملی» معروف به «شیخ بهایی»، از نوادر علمی عصر صفوی، یکی از بزرگان جهان تشیع است. او به موازات آثار گرانسنگ علمی، اشعاری با ویژگیهای فنی و ادبی به دو زبان فارسی و عربی از خود به یادگار نهاده است. اشعار شیخ، آینه تمام‌نمای اندیشه‌های مذهبی و تشیع اوست. بیشترین حجم اشعار فارسی و عربی وی را، سروده‌هایی در مدح اهل بیت و ترویج اندیشه تشیع تشکیل میدهد. او در این زمینه با کمیت بن زید اسدی شاعر بزرگ شیعی رقابت میکند. همچنین، شاعر پربسامدترین ابیات و تصاویر خیالی و شاعرانه را به امام عصر علیه‌السلام اختصاص داده است. جستار حاضر بر آن است که به سوالات زیر پاسخ گوید:

- از نظر سبک‌شناسی، به کارگیری مواردی مانند: اسالیب بیانی، نظام واژگان و موسیقی کلام در سروده‌های شیعی شیخ بهایی چگونه است؟
- تصویر پردازی شاعر در این قلمرو از چه ویژگیهایی برخوردار است؟
- تنوع آماری عناصر تشیع در اشعار پارسی و تازی شیخ بهایی به چه شکل است؟

کلمات کلیدی

تشیع، اشعار فارسی و عربی، شیخ بهائی

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی saberehsivashi@yahoo.com

۱. مقدمه

شیخ بهائی از جمله معروفترین شخصیت‌های علمی، مذهبی و ادبی جهان اسلام است که به سبب روح بزرگ و علو مرتبه‌اش در علوم ریاضی و ادبی و دینی به سلک نوابغ روزگار درآمده و شخصیت همه‌جانبه‌اش مورد ستایش همگان است.^۱

اگر چه درباره احوال و آثار شیخ بهائی مطالب بسیار نگاشته شده، اما اینگونه به نظر میرسد که در معرفی جایگاه ادبی ایشان حق مطلب ادا نگشته و بجاست که محققان و دانش پژوهان این کار را به انجام رسانند و این شاعر ذولسانین را که شاهکارهایی بی نظیر در دنیای ادب از خود به جای گذارده به جامعه ادبی و فرهنگی، معرفی نمایند. در این پژوهش، اشعار شیخ بهایی مورد بازخوانی قرار گرفته و تأثیر تشیع در این اشعار بررسی شده است. بدین ترتیب، مقاله در پی آن است که با تحلیل ساختاری و محتوایی اشعار وی، به واکاوی تأثیرگذاری مکتب تشیع بر آنها بپردازد تا به این پرسش پاسخ دهد: چگونه فرهنگ و باور شیعی در شعر یک دانشمند تجلی می‌یابد.

ضرورت و فایده این پژوهش در آن است که ضمن معرفی شخصیت و آثار گوناگون شیخ بهائی، با تعمقی بیشتر در ادبیات شیخ، به معرفی و تحلیل بخشی از آثار ادبی وی به دو زبان فارسی و عربی می‌پردازد. منبع اصلی پژوهش، دیوان شیخ بهایی و سپس منابع تاریخی و نقد ادبی است.

۱-۱. روش کار

شیوه کار به صورت توصیفی - تحلیلی است؛ بدین معنا که ابتدا فیش برداری و جمع آوری مطالب و سپس دسته بندی آنها بر اساس موضوع مقاله انجام گرفته است. سپس نگارش مقاله با سعی در رعایت صحت در انتقال مطالب همراه با رجاعات صحیح انجام گرفته است. در ابتدا چکیده و مقدمه ذکر شده است. مراحل بعدی مقاله عبارتند از بیان: زندگی، آثار، مقام علمی، تشیع در شعر شیخ بهایی (در دو بخش شعر عربی و پارسی) با تکیه بر جایگاه امام زمان در شعر او. در پایان؛ نتیجه، کتابنامه و چکیده انگلیسی آمده است.

۱. از آنجا که شیخ بهایی، با تحقیقات و آثار خود نقشی عظیم در بنای علم ستاره شناسی نوین دارد، یونسکو سال ۲۰۰۹ را سال نجوم و شیخ بهائی نامگذاری کرد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ دو کنگره ملی و بین‌المللی با محوریت شیخ بهائی در تهران و مشهد برگزار شد. این همایشها در پنج کمیته تخصصی با موضوعات: فلسفه و کلام، تاریخ، علوم، ابعاد وجودی اسلامی و ریاضیات و نجوم برگزار شد؛ اما برای ادبیات شیخ بهائی در این دو همایش، محوری اعم از شعر فارسی و عربی تعریف نشده بود. مقالات و کتابهایی نیز که درباره شیخ به رشتۀ تحریر درآمده است بیشتر به جنبۀ تاریخی و بیان زندگینامه وی پرداخته‌اند. در ارتباط با موضوع مورد بحث پایان‌نامه‌ای در دانشگاه تهران موجود است که عنوان آن: «شرح احوال و آثار شیخ بهائی و نمونه‌ای از اشعار عربی او» تالیف محمدرضا میرزانی می‌باشد.

۱-۳: ضرورت تحقیق

این جستار از آن روی حائز اهمیت است که سعی در شناساندن جنبۀ ادبی شخصیت شیخ بهائی که همان بُعد مهجور و ناشناخته وجود این دانشمند بزرگ است، دارد. علاوه بر این، میزان تاثیر باورهای شیعی شاعر بر سروده‌های فارسی و عربی او نیز در ترازوی نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲. زندگی

شیخ الفقها حسین بن عبدالصمد بن شیخ شمس‌الدین محمد بن علی بن حسین بن محمد بن صالح حارث همدانی جبل‌عاملی، ملقب به شیخ بهائی، از خاندان حارث‌اعور همدانی از خواص اصحاب حضرت علی (ع) است. (طراف المقال فی معرفة طبقات الرجال: الجابلی، ج ۲: ص ۳۹؛ نقد الرجال النفرشی، ج ۴: ص ۳۵ و طبقات اعلام الشیعه طهرانی: ص ۱۰۷). بهاء‌الدین عاملی در بعلبک به دنیا آمد^۱ پدرش از شاگردان برجسته شیخ ثانی بود که به خاطر آزار شیعیان آن ناحیه توسط دولت عثمانی و نیز به دعوت شاه طهماسب، رهسپار ایران شد (الکنی و الاقباق القمی، ج ۲: ص ۸۹۲). ابتدا در قزوین مسکن گزیده و پس از وفات پدر و در پی انتقال پایتخت صفویان از این شهر به اصفهان، راهی آن دیار شد. به منصب شیخ الاسلامی و مفتیگری صفویان رسید و تا آخر عمر نیز در این منصب باقی ماند (تاریخ عباسی، منجم یزدی، ص ۳۴۷، مکارم الآثار، حبیب‌آبادی، ج ۲: ص ۸۸۲). او به خاطر جایگاه والای علمی، ادبی و دینی خود به شدت مورد علاقه و احترام شاه عباس

۱. یوسف الیان سرکیس نویسنده کتاب معجم المطبوعات العربیة و المعربیة در ص ۱۲۶۳ کتاب خود مولد شیخ را به اشتباه قزوین میدانند در حالیکه کتب تراجم به اتفاق، سن شیخ را به هنگام مهاجرت به ایران و ورود به قزوین سیزده سال دانسته‌اند.

اول ، مقتدرترین پادشاه عباسی بود (آتشکده آذرآذر بیگدلی، ص ۱۷۴) به گونه ای که پس از تألیف کتاب جامع عباسی ، شاه قصری به او بخشید که امروزه نیز به عنوان یکی از آثار تاریخی عصر صفوی به یادگار مانده است (سفر نامه شاردن، شاردن، ص ۱۴۱) وی در اصفهان وفات یافت و در طوس در جوار امام هشتم شیعیان به خاک سپرده شد. (الاعلام ، زرکلی، ج ۶: ص ۳۳۵ ، ریاض العارفین، هدایت، ص ۵۹) تاریخ وفات شیخ بهائی ۱۰۳۵ هـ / ۱۶۳۰ میلادی میباشد (طرائق الحقایق ج ۱: ص ۲۶۱).

۳. جایگاه ادبی و علمی شیخ بهایی

اگر چه آثار شیخ بهایی را بیش از آن میدانند که به شماره درآید (روضات الجنات، خوانساری، ج ۷: ص ۶۴) ، اما تعداد آنچه به دست ما رسیده ، حدود ۷۷ اثر است . اهمیت آثار شیخ در آن است که آنها را به قصد تدوین کتابهای درسی برای طالبان علم مینگاشته و در تدوین آنها اختصار و سهولت بیان را رعایت نمیکرده بگونه‌ای که این روش پس از او در مدارس قدیم رواج یافت . مهمترین آثار ادبی او بر کشکول، نان و حلوا ، نان و پنیر، شیر و شکر، موش و گربه و کلیات اشعار است. آثار علمی برجسته شیخ نیز به این قرار است: خلاصة الحساب : که تاکنون ۳۷ شرح بر آن نگاشته شده. زبدة الاصول در علم اصول (۳۶ شرح) تشریح الافلاک در علم هیئت (۱۵ شرح) الفوائد الصمدية در نحو (۱۰ شرح) لغزهای شیخ بهایی (۷ شرح) . (ایضاح المکنون، پاشا : ص ۴۸۷).

آنچه از جنبه علمی، باعث ارتقای جایگاه علمی شیخ بهایی میشود ، جامعیت او در همه علوم است . اگر چه شیخ در بعضی از این علوم نبوغ و خلاقیت خاصی به خرج نداد ، اما از این جهت از دیگر دانشمندان متمایز است که نسبت به همه علوم رایج و غیر رایج عصر خود ، آشنائی و شناخت کافی داشت . او در کنار شعر و ادب خدمات شایانی به معماری ، نقاشی ، مینیاتور سازی و خطاطی ایران کرده است (تاریخ اصفهان ، همایی: ص ۱۷) . وی در میان مردم به مهارت تمام در ریاضیات معروف است بگونه‌ای که کتاب خلاصة الحساب او که در موضوع ریاضیات است در سال ۱۱۵۰ توسط محمد بن مهدی قزوینی به نظم درآمده و ریاضیدانی به نام نَسْلِمَن^۱ آن را در سال ۱۸۴۳ به آلمانی ترجمه کرده است (تاریخ ادبیات در ایران ، صفا، ج ۵، ص ۲۵۱) . او همچنین کتابی در جبر به نام جبر الحساب دارد که پر از راه‌حلهای ابتکاری و جدید برای حل مسائل پیچیده ریاضیات است که تا زمان خودش در عالم بی

نظیر است. (تراث العرب العلمی فی الرياضیات و الفلک ، طوقان: ص ۴۷۷ و ۴۸۲). عامه مردم غرایب بسیاری را به او منسوب میدارند و هرکجا که امر عجیبی ببینند و یا بشنوند، آن را از آثار شیخ میدانند. برخی از دستاوردهای علمی وی عبارتند از: نقشه و طرح بنای مسجد شیخ لطف الله، تعیین سمت قبله مسجد شاه اصفهان، تقسیم آب زاینده رود به مالکین و رعایا و محلات اصفهان بگونه‌ای که این روش تا زمان ما نیز برقرار و متداول است. منار جنبان اصفهان، ساختن گلخن حمامی در اصفهان که به حمام شیخ معروف است به طوری که آب حمام با یک شمع گرم میشده است. (ریحانة الادب، مدرس: ج ۳ ص ۳۰۴ و ۳۰۳). وی از این نظر که پس از سالها رخوت و رکود علم ریاضی در ایران، این شاهکارهای بزرگ و بی مانند را خلق کرد، حق بزرگی بر گردن علم و تمدن ایران دارد.

۴. مختصات زبانی و ادبی اشعار

۴-۱. شیوه تصویرپردازی

تصویرپردازیهای شیخ بهایی به صورتگرتهای واقعی و حقیقی منحصر میشود. او با آفریدن تصاویر بسیار ساده و در عین حال زیبا و تاثیر گذار، احساسات درونی خود را به مخاطب القا میکند. اشعار وی از دشواری و به کارگیری صنایع پرتکلف به دور است. او سفرهایی را که به اماکن مقدسی چون بارگاه ائمه هدایت داشته است، به خوبی توصیف میکند. شاعر در خلال اینگونه اوصاف، علاوه بر ابراز ارادت به خاندان اهل بیت(ع)، تصویرپردازیهای ماهرانه‌ای از آستان هر یک از این امامان به دست میدهد؛ به گونه‌ای که خواننده را در خلال این صورتگرتهای ماهرانه و در عین حال حقیقی و ملموس، در زیارت این اماکن مقدسه با خود همراه کرده و اشتیاق به دیدار این بقاع شریفه را بیش از پیش در وجود ایشان برمی‌انگیزد.

۴-۲. رمز گرایبی

بطور کلی اشعار شیخ بهایی، بجز دو مورد: غزل «لقای دوست» و «مخمس معروف شیخ بهایی» از به کار بردن الفاظ و عبارات رمزگونه به دور است. برخی صاحب نظران استعارات، ایهامها و رمزهای موجود در این دو شعر را در ارتباط با امام زمان (ع) دانسته‌اند.

۴-۳. ویژگیهای صوری

۴-۳-۱. موسیقی

موسیقی شعری به دو دسته موسیقی داخلی و خارجی تقسیم میشود: موسیقی خارجی که در قالب وزن و قافیه نمود می‌یابد و موسیقی داخلی که علاوه بر آهنگ درونی واژه‌ها و عبارات که از حروف تشکیل دهنده آن و نیز نحوه قرار گرفتن این حروف در کنار یکدیگر به وجود می‌آید، در صور خیال و محسنات بدیعی نیز نمود می‌یابد (الادب و النصوص، عابدین: ص ۱۱).

در زمینه موسیقی خارجی که همانگونه که ذکر شد از وزن و قافیه تشکیل میشود، شاعر با استفاده از وزنهای بسیط و روان و نیز قوافی متنوع و در عین حال ساده، مفهوم مورد نظر خود را در قالب واژه‌های آهنگین ریخته و به بیان مطلب مورد نظر خود می‌پردازد. این قافیه‌ها آنگاه که توسط شیخ در قالب مثنوی ریخته میشوند، دو به دو رعایت میشوند و آنگاه که بصورت رباعی، دو بیتی، قطعه، قصیده و غزل می‌آیند از قوانین عروض پارسی به نیکویی پیروی میکنند. موسیقی داخلی از مواردی است که چندان مورد توجه شاعر نبوده و در اشعار فارسی و عربی او نمود چندانی ندارد.

۲-۳-۲. نظام واژه‌ها

شیخ بهایی اگر چه شاعری طراز اول نیست، اما در نحوه گزینش الفاظ و به کارگیری واژه‌ها دقت و ظرافت فراوانی از خود نشان داده است. الفاظ با مضامین و مفاهیم مورد نظر او تناسب و هماهنگی دلنشینی دارد. به عنوان مثال آنجا که شاعر به دنبال عجز و لابه و درخواست بخشش گناهان از سوی خداوند به واسطه شفاعت اهل بیت است؛ واژه‌هایی عاطفی، انشایی و دعایی به یاری او می‌آیند تا بتواند از عهده القاء بار معنایی مورد نظر خود بخوبی برآید.

۳-۳-۴. بکارگیری واژه‌های عربی

حقیقت آن است که شیخ بهایی به هنگام سرودن اشعار فارسی، هرگز نتوانست خود را از قید زبان عربی برهاند. به همین خاطر است که اشعار فارسی او نیز آکنده از کلمات عربی است که از حلاوت و دلنشینی آن میکاهد. خواننده نیز با مطالعه چند غزل یا قصیده از این شاعر به سرعت به این امر پی برده و میکوشد از بار معنایی و مفهومی ابیات بیش از زیبایی لغوی و ساختار ظاهری آنها بهره گیرد. برخی از این واژه‌های ثقیل عربی عبارت است از: معاصی، حرمان، زهدات، عباد، عسکر و

۴-۳-۴. اسلوبهای بیانی

از جنبه اسلوبهای بیانی، اگرچه اشعار شیخ بهایی در درجه ای ممتاز قرار نگرفته است، اما قدرت تصویرسازی و خیال پردازی شاعر در ساختن برخی تشبیهات و استعارات و نیز توریه و ایهام در برخی موارد خودنمایی میکند. به عنوان نمونه او گویی که در برابر یک انسان قرار گرفته، با استفاده از صنعت «تشخیص» نسیمی را که از سوی کربلا می‌آید مخاطب خویش ساخته و با او سخن می‌گوید. گاهی نیز استفاده از عنصر تکرار اگرچه به تقویت بار معنایی و موسیقایی کلام می‌انجامد، اما در برخی موارد نیز جنبه افراطی و غیر شاعرانه به خود می‌گیرد که این امر از زیبایی کلام میکاهد. مواردی چون بکارگیری مکرر واژه «یارب» و نیز ترکیب «الهی الهی» در اشعار مربوط به اهل بیت باعث ملال مخاطب و کاهش بار فنی و هنری کلام میشود.

۵. تشیع در شعر فارسی و عربی شیخ بهایی

نویسنده عالم آرای عباسی - با آن که شعر و شاعری را دون مراتب آن جناب میدانند - معتقد است که شیخ با وجود داشتن زبان مادری عربی در ادب پارسی ذوق سخن پردازی بسیار دارد و در فنون سخنوری قصب السبق را از اقران خویش ربوده است. و اشعار آبدار و معانی رنگین و نکات دلپذیر و شیرین از آن جناب زبانزد خاص و عام است (عالم آرای عباسی، ترکمان: ج ۱ ص ۱۵۷). او اگرچه بیشتر عمر خود را در دربار شاهان گذراند اما شعرش هیچ گاه رنگ و بوی «اریستوکراسی» به خود نگرفت. شعر فارسیش در مقایسه با اشعار عربی او بیشتر و بهتر است (ریحانة الالباء، الغفاجی: ج ۱ ص ۲۰۸). او در مثنوی پیرو مولوی و عطار، در غزل دنباله رو حافظ و سعدی و عراقی و در سروده های عرفانی تحت تأثیر غزلیات شمس است. ویژگی مشترک اشعار بهایی میل شدید به مذهب، زهد، تصوف و عرفان است. (دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۶۶۹). بهایی شعر عربی کم گفت به گونه ای که تاریخ دیوانی برای اشعار عربی وی به ثبت نرسانیده است و هر آنچه در دست ماست قطعات پراکنده ای است که از کشکول نقل شده و یا میتوان در کتب تراجم و شرح حال به آن دست یافت. او اشعاری نیز در وصف و مدح دارد^۱ اما تقریباً بیشتر حجم کلیات شیخ بهائی، اعم از فارسی و عربی را،

۱. او علاوه بر اشعار دینی، اشعاری عربی نیز در رثا (رثای پدر)، تغزل عرفانی (سوانح سفر حجاز)، تضمین قصاید شاعران بزرگی همچون جامی و خیالی بخارایی، وصف شهرها (هرات، طبیعت، میوه ها و زنان آن) و... دارد. وی در اشعار عرفانی خود تحت تأثیر ابن فارض است.

اشعاری در مدح اهل بیت و ترویج اندیشه تشیع تشکیل میدهد و در این زمینه با کمیت بن زید اسدی شاعر بزرگ شیعی رقابت میکند (ریحانة الالباء ج ۱ ص ۲۰۸). همانکس که میگوید:

إِنْ كَانَ رَفْضًا حَبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقْلَانَ أَنِّي رَافِضِي

- اگر محبت خاندان پیامبر (ص)، رفض است، پس جن و انس گواهی دهند که من رافضی هستم. (هاشمیات کمیت، ص ۱۵۶)

شیخ برای بیان عقاید مذهبی خویش در قالبهای مختلف شعری از جمله مثنوی، رباعی و غزل طبع آزمایی کرده و آثار ماندگاری از خود به یادگار گذاشت اما واقعیت آن است که در قالب رباعی، موفقیت بیشتری داشت و این امر بوضوح در دیوان وی دیده میشود. توریه و ابهام نیز بیشترین سهم را در بیان موتیفهای ادبی شیخ دارند^۱. او احساسات دینی و ارادت خود به اهل بیت را در نهایت سلاست و شیوایی در این ساختار به نمایش میگذارد. وی سفری طولانی داشته که طی آن از اماکن متبرکه عراق، حلب، شام، حجاز، بیت المقدس دیدن کرده است. (الانوار النعمانية، جزائی: ج ۱ ص ۹۳؛ قصص العلماء، تنکابنی: ص ۲۳۶، سفينة البحار، قمی: ج ۱ ص ۴۲۰) شاید مهمترین و تاثیرگذارترین سفر بر روح شاعر، مسافرتی باشد که همراه شاه عباس به مشهد رفت.

۵-۱ امام علی علیه السلام

وی در سفری به نجف اشرف تصمیم گرفت برای زائران حرم مطهر، کفشدارئی بنیان کند. این دو بیت را نیز سرود تا در قسمت بالایی کفشداری نوشته شود، که تا امروز هم برجاست:

هَذَا الْاَفْقُ الْمَبِينُ قَدْ لَاحَ لَدَيْكَ فَاسْجُدْ مُتَذَلِّلاً وَعَفْرَ خَدَيْكَ
ذَا طُورٍ سِينِينَ فَاغْضُضْ الطَّرْفَ بِهِ هَذَا حَرَمٌ الْعِزَّةِ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ

- این افق حقیقت است که نزد تو آشکار گردیده، پس خاضعانه سجده کن و گونه برخاک بمال.

- این جا طور سیناست. از شرم چشم به زیر داشته باش. اینجا حرم عزت است، نعلین تعلق از پای بکن. (خلاصة الارج ج ۳ ص ۴۵۳)

۱. به عنوان نمونه در این بیت: فیها شفا القلب أطیارها بنعمة القانون کالدارية

در این بیت شفا و قانون در عین این که به معنای بهبودی یافتن و یکی از آلات موسیقی است در عین حال دو کتاب مشهور ابن سینا در الهیات و حکمت و طب نیز میباشد.

او دو بیت فارسی نیز در کنار آن دو بیت عربی خود سروده است که در واقع ترجمه همان دو بیت است. این مساله شیخ نشان دهنده تسلط و مهارت او در دو زبان عربی و فارسی است.

- در حضرت او چه گفت باید لبیک اینجا نه سلام رسم باشد نه علیک
- این وادی طور است نگه دار ادب این ارض مقدس است فاخلع نعلیک
بهایی با بیانی بسیار زیبا و لطیف به گونه ای به توصیف بارگاه حضرت علی (ع) میپردازد که گویی خواننده را با خود همراه ساخته و به سیر و سیاحت در آن حرم ملکوتی و نیز سرزمین کربلا میبرد. او برای این کار از صنعت «تشخیص» بهره گرفته و نسیم صبح گاهی را این گونه مخاطب قرار میدهد:

- ای نسیم صبح خوشبو میرسی	از کدامین منزل و کو میرسی
- میفزاید از تو جانها را طرب	تو مگر می آیی از ملک عرب
- تازه گردید از تو جان مبتلا	تو مگر کردی گذر از کربلا
- میرسد از تو نوید لا تخف	میرسی گویا ز درگاه نجف
- بارگاه مرقد سلطان دین	حیدر صفدر امیر المومنین
- حوض کوثر جرعه‌ای از جام او	عالم و آدم فدای نام او (کلیات ص ۵۷)

همچنین شاعر در ابیاتی در مدح حضرت علی (ع) و بیان جایگاه والای حضرت اینگونه میسراید:

- ای خاک درت سرمه ارباب بصارت	در تادیت مدح تو خم پشت عبارت
- گرد قدم زایرت از غایت رفعت	بر فرق فریدون ننشیند ز حقارت
- در روضه تو خیل ملائک ز مهابت	گویند به هم مطلب خود را به اشارت
- هر صبح که روح القدس آید به طوافت	در چشمه خورشید کند غسل زیارت (کلیات ص ۵۹)

۵-۲. امام حسین علیه السلام

این رباعی مستزاد برای خادمان حرم امام حسین (ع) از اوست. در این مستزاد شاعر از هم داستانی عناصر جاندار و بیجان طبیعت تابلویی زیبا به تصویر کشیده است بگونه‌ای که انسان برای لحظاتی از زمان و مکان فارغ شده و خنکای بامدادی را احساس میکند که در آن فرستاده شاعر پا در دیار محبوب نهاده و با او به بیان راز دل نشسته:

یا سعد إذا جزت دیار الاحباب وقت السحر

قَبْلَ عَنِي تَرَابُ تَلِكِ الْاِعْتَابِ واقض وطری
إِنْ هُمْ سَأَلُوا هُنَّ الْبِهَائِيَّ فَانطِقْ رؤیا النظر
قَدْ ذَابَ مِنَ الشَّوْقِ الْيَكْمُ قَدْ ذَابَ هذا خبری
- ای سعد هرگاه سحرگاهان از دیار دوستان گذشتی ،
- از جانب من خاک آن درگاه را بیوس و حاجت مرا برآور .
- اگر از حال بهایی پرسیدند ، آنچه را دیده ای ، بازگو .
- بگو : خبر من این است که بهایی از اشتیاق به شما آب شده است .
(اعیان الشیعة ج ۹ ، ص ۲۴۷ ؛ روضات الجنات ج ۷ ، ص ۷۰)

۵-۳. امام رضا علیه السلام

شیخ در سفری که به همراه شاه عباس و با پای پیاده به مشهد داشت، شبی در حرم مشغول عبادت بود که یکی از خادمان را دید که با نوعی مقرض (قیچی) در حال خاموش کردن چراغهای داخل حرم است. شیخ بهایی این دو بیت را که نشان از قداست و پاکی حرم حضرت رضا در اندیشه شاعر دارد به صورت فی البداهه سرود:

هر شام و سحر ملایک علیین آیند به طوف حرم خلد برین
مقرض به احتیاط زن ای خادم ترسم ببری شهپر جبریل امین (کلیات ص ۵۷)

شاعر با استادی هر چه تمامتر به توصیف مناجات یکی از زایران امام رضا (ع) با حضرت میپردازد و میگوید:

شنیدم که میگفت زاری، غریبی طواف رضا چون شد او را میسر
من اینجا غریب و تو شاه غریبان بحال غریب خود از لطف بنگر (کلیات ص ۶۲)

او در اشتیاق به زیارت امام رضا (ع) یک رباعی مشهور را سروده است. این دو بیت شیخ اگرچه بسیار کوتاه است اما آن چنان از قدرت خیال بهره دارد که گویی فیلمی متحرک و جاندار است که فرستاده بهایی را نشان میدهد که در آن روزگار مسافرتها سخت و طولانی به خراسان رفته و اشتیاق شاعر را برای امام حکایت میکند :

إِنْ جِئْتُ أَقْصَى قِصَّةِ الشَّوْقِ لَدَيْكَ إِنْ جِئْتُ أَلِي طُوسٍ فَبِاللَّهِ عَلَيْكَ
قَبْلَ عَنِّي ضَرِيحٌ مَوْلَايَ وَ قَلْبٌ قد مات بهائیک بالشوق إلیک

- هرگاه به دیدار من آمدی ، حکایت اشتیاق خود را برایت خواهم گفت ، اگر به سرزمین طوس رسیدی تو را به خدا سوگند میدهم .

- از جانب من ضریح مولایم را ببوس و عرضه بدار : بهایی از شدت اشتیاق به شما مرده است . (ریحانة الالباء ج ۱ ص ۱۲ ، فوائد الرضویة ج ۲ ، ص ۵۱۷)

۴-۵. امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

بهایی در طول سفرهای متعدد خویش، به زیارت اماکن و بقاع مقدسه شتافته به فراخور حال ، زبان به ترنم اشعاری گشوده است که در تصویرپردازیهای آن وجود سابقه قرآنی واضح و روشن است . این امر در کنار ترسیم صحنه‌هایی متحرک در میان عناصر جاندار و بیجان طبیعت نمود ویژه‌ای یافته است. خصوصاً آن که عناصری مانند شتر، شتربان، قرقگاه و... اجزای محیط زندگی و فضای پیرامونی شاعر نیستند بلکه او با بهره‌گیری از قوه خیال آنها را اینگونه استادانه در کنار هم چیده است. به عنوان مثال او در راه سامراء این غزل را سروده است :

أَسْرِعِ السَّيْرَ أَيُّهَا الْحَادِي	إِنَّ قَلْبِي إِلَى الْحَمِي صَادِي
وَ إِذَا مَا رَأَيْتَ مِنْ كَتَبٍ	مَشْهَدَ الْعَسْكَرِي وَ الْهَادِي
فَأَلْتَمِ الْأَرْضَ خَاضِعاً فَلَقَدْ	نَلْتُ وَ اللَّهُ خَيْرَ إِسْعَادِ
وَ إِذَا مَا حَلَلْتِ نَادِيَهُمْ	يَا سِقَاهِ الْإِلَهِ مِنْ نَادِي
فَاغْضُضِ الطَّرْفَ خَاضِعاً وَلِهَا	وَ اخْلَعْ النِّعْلَ إِنَّهُ الْوَادِي

- ای ساربان شتاب کن که قلب من تشنه دیدار سرزمین یار است .
 - اگر از نزدیک محل شهادت امام دهم و یازدهم را دیدی ،
 - با فروتنی بر زمین بوسه زن چرا که به بزرگترین سعادت نایل شده ای
 - و آنگاه که در حرم آنها - که خداوند آنها را سیراب گرداند - پا نهادی
 - خاضعانه و با اشتیاق دیده فرو افکن و نعلین از پا بیرون آور که اینجا وادی طور است .
- (اعیان الشيعة ج ۹ ، ص ۲۴۸)

۵-۵. **اهل بیت:** او که همواره آتش ولایت اهل بیت را در دل زنده داشته در قالب یک چینش ادبی در مدح چهارده معصوم اینگونه سروده است:

فِي يَثْرَبَ وَ الْغُرَى وَ الزُّورَاءِ	فِي طُوسَ وَ كَرْبَلَا وَ سَامَرَاءِ
لِي أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرَةٌ هُمْ ثِقَتِي	فِي الْحَشْرِ وَ هُمْ حَسْبِي مِنْ أَعْدَائِي

- در مدینه و نجف و کاظمین و کربلا و سامرا، چهارده تن هستند که در رستاخیز پناه مند و مرا از دشمنانم حفاظت میکنند. (فوائد الرضویة ج ۲ ص ۵۱۶، اعیان الشیعة ج ۹، ص ۲۴۷)

او همانند دیگر شیعیان به شفاعت اهل بیت (ع) اعتقادی راسخ دارد و با عباراتی آسان و زودیاب و به دور از تصاویر خیالی دور و دراز به درگاه پروردگار عرضه میدارد:

یا ربّ إني مذنبٌ خاطی
مقصرٌ فی الصالحات القرب
ولیس لی من عملٍ صالحٍ
أرجوه فی الحشر لدفعِ الكرب
غیر اعتقادی حبّ خیر الوری
وآله والمرء مع ما أحب

- همانا بزهکار خطاکننده‌ام و در کارهای شایسته که موجبات تقرب به تو را فراهم میسازند کوتاهی کرده‌ام.

- کار شایسته‌ای انجام نداده‌ام تا بتوانم گرفتاریهای خود را به وسیله آنها برطرف سازم.

- آری عمل شایسته من همانست که به رسول خدا و خاندان او معتقدم و آنها را دوست دارم و اطمینان دارم آدمی با هر چیزی که دوست دارد محشور خواهد بود.

۵-۶. امام عصر علیه السلام

بهایی به خاطر ارادت فراوان و علم به منزلت والای امام عصر و تقرب حضرت به ذات اقدس پروردگار، به مصداق آیه «و ابتغوا الیه الوسیلة» ایشان را واسطه قرار داده و خداوند را به ایشان سوگند میدهد تا از گناهانش بگذرد:

الهی به مهدی که سالار دین است
شہ پیشوایان اهل یقین است
که بر حال زار بهایی عاصی
سر دفتر اهل جرم و معاصی
بخشا و از چاه حرمان برآرش
ببازار محشر مکن شرمسارش
(کلیات ص ۵۷)

از برخی غزلیات شیخ نیز رایحه انتظار و شوق دیدار محبوب که همان حجت خدا و امام غایب از نظر است، به مشام میرسد. مثل غزل لقای دوست آنجا که میگوید:

آتش به جانم افکند شوق لقای دلدار
از دست رفت صبرم ای ناقه پای بردار
در کیش عشقبازان راحت روا نباشد
ای دیده اشک میریز ای سینه باش افگار
(کلیات ص ۷۰)

و نیز بسیاری از ادیبان و صاحب‌نظران مخمس معروف شیخ را درباره امام زمان میدانند. مضمون برخی از ابیات نیز تأکیدی بر رای ایشان است:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سر آید غم هجران تو یا نه ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

و در نهایت غزل خویش را با این مضامین به پایان میبرد:

بیچاره بهایی که دلش زار غم توست هرچند که عاصیست ز خیل و خدم توست

امید وی از عاطفت دم به دم توست تقصیر «خیالی» به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه (کلیات ص ۷۷ و ۷۶)

با نگاهی به اشعار شاعر درمی یابیم که او سخت شیفته امام زمان (عج) است و در اشعار فارسی و عربی خود ایشان را بسیار ستوده است بگونه‌ای که از میان اهل بیت پربرسامترین ابیات و تصاویر خیالی و شاعرانه به آن حضرت اختصاص یافته است:

در این زمینه مشهورترین اثر شیخ بهائی، قصیده‌ای تحت عنوان «وسيلة الفوز و الامان فی مدح صاحب الزمان عج» است که رانیه ایست در شصت و سه بیت و از شاهکارهای شعر شیخ بهایی خصوصاً و شعر و ادب شیعه عموماً به شمار می‌آید. در این قصیده شاعر در ابتدا به سبک شاعران جاهلی کلام خود را با آوردن یک تشبیب یا مقدمه غزلی آغاز کرده و سپس در تنه اصلی قصیده به بیان مقصود و هدف خود اهتمام می‌ورزد. آغاز قصیده با این بیت است:

سَرَى البرقُ مِنْ نَجْدٍ فَجَدَّدَ تَدْكَارَى عَهوداً بِحُزْوَى و العزيبِ و ذى قار^۱

- برقی از جانب نجد درخشید و خاطرات مرا دوباره زنده کرد. همان عهد و پیمانی که در سرزمینهای حزوی و عزیز و ذی قار بسته شده بود. (کشکول ج ۱، ص ۲۱۸)

تشبیب قصیده سی بیت به طول می‌انجامد که در میان این ابیات تغزلی گاه به تصاویری لطیف و ابتکاری نیز برمیخوریم. این ابیات از نظر تصویرگری و نگارگریهای شاعرانه از قسمت اصلی قصیده دارای غنای بیشتری است. چرا که مضامین غنایی-تغزلی و وصف طبیعت به نسبت مضامین مدحی و بویژه مدح دینی مجال بیشتری برای ظهور عناصر ادبی و شاعرانه دارند. شاعر در بیت سی و یکم وارد متن اصلی شده و به غرض اصلی که همان مدح امام عصر (ع) است می‌پردازد. در این چکامه محور عمودی خیال پا به پای عاطفه شعری و عمق معانی پیش می‌آید و بار معنایی و عاطفی مفاهیم بر شکل ظاهری کلمات و میزان بهره‌گیری از صور خیال برتری دارد. شیخ در ادامه می‌گوید:

خليفةُ ربِّ العالمينَ و ظلُّه على ساكنِ الغبراءِ مِنْ كُلِّ ديار

۱. نجد: ناحیه‌ای است در حجاز که اکثر شاعران در اشعار خود به آن تشوق می‌ورزند؛ حزوی: به ضم اول و تسکین ثانی موضعی است در نجد از دیار تمیم؛ عزیز: نام سرزمینی است؛ غدیر: نام آبی است بین عقبه و قاع در راه مکه؛ ذی قار: نام موضعی.

هو العروة الوثقى الذى من بذيله
 تَمَسَّكَ لَا يَخْشَى عِظَانِمَ أَوْزَارِ
 امام الهدى لاذ الزمان بظله
 و ألقى إليه الدهر مقود خوار
 و مقتدر لو كلف الصم نطقها
 بإجدارها فاهت إليه بإجدار

- او خلیفه پروردگار جهانیان و سایه اوست بر ساکنان این کره خاکی در هر کجا که باشند.
 - او دستگیره محکمی است که هر کس به آن آویخت، از گناهان بزرگ پروایی ندارد.
 - او امام هدایت است که زمانه به سایه او پناه برده و روزگار افسار اسب تیز روی خود را به او داده است.

- او قدرتمندی است که اگر ناشنویان را به واسطه لیاقت خویش امر به سخنگویی کند، به شایسته ترین شکل به سخن می‌آیند. (کشکول ج ۱ ص ۲۱۸)

تشبیهاتی که شاعر از آنها بهره میجوید غالباً تشبیه محسوس به محسوس است و از عناصر جاندار و بیجان، و نیز ثابت و متحرک طبیعت در کنار هم سود جسته است. در میان این عناصر، بسامد استفاده از طبیعت بیجان مثل کوه، دریا، رود و مواردی از این دست بسیار بالاست. او حضرت را به علم و هدایتگری میستاید و ایشان را صاحب سرّ خدا در دنیا میداند و در این باره چنین میگوید:

علومُ الوری فی جنبِ أبحرِ علمیه
 كغرفة كفاً أو كغمسة منقار
 امامُ الوری ، طودُ النهی ، منبعُ الهدی
 و صاحبُ سرِّ الله فی هذه الدار

- دانش دیگر مردمان در مقایسه با دریاهاى علم او، کف دستى یا ذره‌ای ناچیز است که در منقار جای گیرد.

- ایشان، امام مردمان، کوه بلند خرد، سرچشمه هدایت، و صاحب راز خدا بر روی زمین است. (کشکول ج ۱ ص ۲۱۹)

امام زمان در نگاه شیخ بهایی اگر چه انسانی عادى است که پا به عالم خاکی نهاده است، اما به واقع از چنان جایگاه و عظمتی برخوردار است که عالم ماده به واسطه وجود مبارکش بر عالم ملکوت فخر میفروشد:

به العالم السفلى يعلو و يعتلى
 على العالم العلوى من دون إنكار

- بی شک جهان فرودین (زمین) به واسطه وجود مبارک ایشان بر جهان ملکوت برتری میجوید. (کشکول ج ۱ ص ۲۲۰)

شاعر در ادامه ظهور امام زمان را خواستار گشته و خطاب به حضرتش عرضه می‌دارد:

أغث حوزة الايمان و اغمر ربوعه
 فلم يبق عنها غير دارس آثار
 و خلص عباد الله من كل غاشم
 و طهر بلاد الله من كل كفار

و عَجَلِ فِداكَ الْعَالَمُونَ بِأَسْرِهِمْ وَبَادِرِ عَلِيٍّ اسْمِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ إِنْظَارِ
- به فریاد سرزمین ایمان برس و اماکن آن را آباد کن که از آن چیزی جز آثاری فرسوده
باقی نمانده.

- و بندگان خدا را از شر ستمگران رهایی بخش و زمین خدا را از لوث وجود کافران پاک
کن .

- ای فدایت همه جهانیان ! به اسم خدا و بیدرنگ ظهور کن . (کشکول ج ۱ ص ۲۲۱)
و نیز در قصیده دیگر در مدح ایشان امام را صاحب عصر ، حجت خداوند بر روی زمین
بهترین مردمان و مالک قضا و قدر میدانند.

صاحبُ العَصْرِ الامامُ المنتظرُ مَنْ بمايأبَاهُ لا يَجْرِي القَدَرُ
حجةُ اللهِ على كُلِّ البَشَرِ خَيْرُ اَهْلِ الارضِ في كُلِّ الخِصالِ (امل الامل ج ۱ ص ۱۵۹)

وجود صور خیالی از این دست نشان دهنده وجود ایماژگرایی و تصویرپردازی در شعر
شیخ است اما از آنجا که همواره سایه‌نوعی تلاش برای اثبات اندیشه دینی و نشر اعتقادات
مذهبی براین تشبیهات سنگینی میکند، کمتر به این هنرنمائیهای ادیبانه مجال خودنمایی
میدهد. در ادامه نگاه ولایتمداران بهایی به امام زمان و پذیرش کرامات گوناگون از جانب
خداوند به وسیله ایشان و دیگر ائمه رخ مینماید :

الامامُ بنُ الامامِ بنِ الامامِ قطبُ أَفلاكِ المعالي و الكمالِ
ذو اقتدار إنْ يَشأُ قلبُ الطِباعِ صَيَّرَ الأَظلامَ طَبَعاً للشِّعاعِ
و ارتدى الامكانَ بُرداً الإمتناعِ قدرَةٌ موهوبَةٌ من ذى الجلالِ (همان ص ۱۵۹)

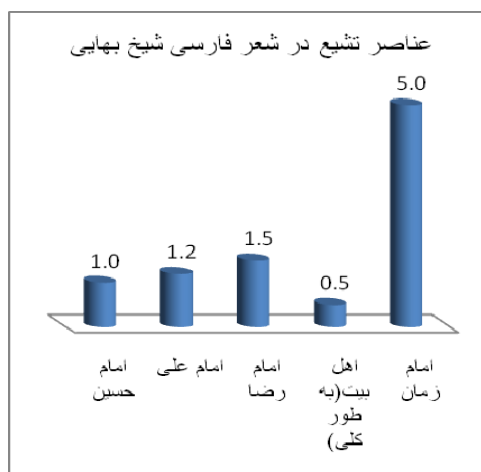
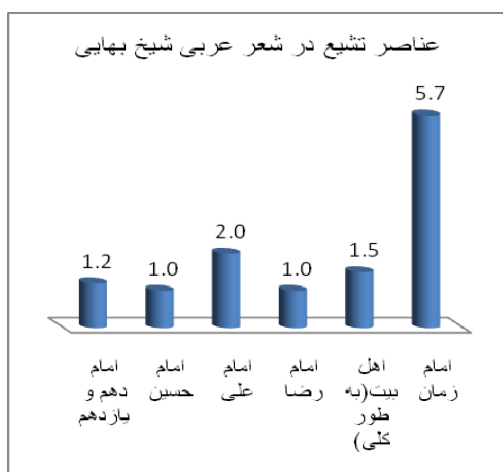
این محوریت محتوا و معنای دینی - اعتقادی از یک سو به ساحت بیان هنرمندانه
مضامین توسط شاعر لطمه میزند اما از سوی دیگر میزان بالای پایبندی شاعر به عقاید
شیعی را نشان میدهد. وجود این احتمال نیز که شاعر با دوری از تکلف و تصنع به دنبال
ساده کردن و قابل فهم نمودن اندیشه های دینی خویشتن برای همگان است دور از ذهن
نمی نماید. (همان ص ۱۵۹)

۵-۷. اهل بیت علیهم السلام

شیخ بهایی آنگاه که درخواستی بزرگ دارد، بزرگترین افراد را که همان اهل بیت عصمت و
طهارت هستند را واسطه قرار میدهد تا شاید به مطلوب خویش دست یابد. او خدا را به حق
یک اهل بیت اینگونه سوگند میدهد:

یارب به تقرب سبطین رسول
 به زهدات باقر علم و رشاد
 به حق موسی به حق ناطق
 آن ثامن رضا من اهل یقین
 یارب به نقی و کراماتش
 به هدایت مهدی دین پرور
 وین غرقه بحر معاصی را
 محرم به حریم خواش کن (کلیات ص ۲۸)

یارب به نبی و وصی و بتول
 یارب به عبادت زین عباد
 یارب یارب به حق صادق
 یارب یارب به رضا شه دین
 یارب به تقی و مقاماتش
 یارب به حسن شه بحر و بر
 کین بنده مجرم عاصی را
 لطف بنما و خلاصش کن



نتیجه

- شیخ بهایی شاعری ذولسانین، مهندسی زبردست، فقیهی فیلسوف و ریاضیدانی نابغه است.

- او صاحب اشعار فارسی و عربی و نیز نثر روان به دو زبان فارسی و عربی است. بهایی شاعر عقیده است و شعرش را به عنوان ابزاری در خدمت نشر دین و تبیین فضایل و تعالیم اهل بیت قرار میدهد. شعر عربی شیخ اگر چه اندک اما بسیار پرمایه و بیشتر در مضامین

دینی و مذهبی است. اشعار فارسی او در مقایسه با اشعار عربی بیشتر و بهتر است. این اشعار، زبانزد خاص و عام بوده و غالباً درونمایه عرفانی و فلسفی دارد.

- ستایش ائمه هدایت و وصف مکانهای دینی و بیان اشتیاق به این اماکن درونمایه‌های اصلی شعر بهایی است. درصد بالایی از اشعار شیعی او به مدح امام عصر اختصاص دارد.

- تصویرپردازیهای شیخ بهایی حسی و واقعی است. او با آفریدن تصاویر بسیار ساده و در عین حال زیبا و تاثیرگذار، به بیان احساسات درونی خود میپردازد. اشعار وی از پیچیدگی و صناعات پرتکلف ادبی به دور است.

- در موسیقی خارجی شاعر با استفاده از وزنهای بسیط و روان و نیز قوافی متنوع و در عین حال ساده، مفهوم مورد نظر خود را در قالب واژه‌های آهنگین ریخته و به بیان مطلب میپردازد. این قافیه‌ها قالب مثنوی، دو به دو رعایت میشوند و در ساختار رباعی، دو بیتی، قطعه، قصیده و غزل، از قوانین عروض پارسی پیروی میکنند. موسیقی داخلی از مواردی است که چندان مورد توجه شاعر نبوده و در اشعار فارسی و عربی او نمود چندانی ندارد.

- شیخ بهایی در نحوه گزینش الفاظ و بکارگیری واژه‌ها، دقت و ظرافت فراوانی از خود نشان داده است. الفاظ با مضامین و مفاهیم مورد نظر او تناسب و هماهنگی دلنشینی دارد.

- اشعار فارسی او پر از لغات عربی است که از حلاوت و دلنشینی کلام میکاهد.

- قدرت تصویرسازی و خیالپردازی شاعر در ساختن برخی تشبیهات و استعارات و نیز توریه و ابهام در مواردی ظهور می‌یابد. استفاده از عنصر تکرار اگرچه به تقویت بار معنایی و موسیقایی کلام می‌انجامد، اما در برخی موارد شعر شیخ بهایی جنبه افراطی و غیر شاعرانه به خود می‌گیرد که این امر از زیبایی هنری سخن او میکاهد.

منابع فارسی

- ۱- نجوم السماء فی تراجم العلماء، آزاد کشمیری، محمد علی، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بین الملل تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- آتشکده آذر، آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، مقدمه سید جعفر شهیدی، چاپ اول موسسه نشر کتاب - تهران - ۱۳۳۷.
- ۳- تاریخ منظم ناصری، ج ۲، اعتماد السلطنه، مصحح: دکتر محمد اسماعیل رضوانی، چاپ اول، نشر دنیای کتاب تهران، ۱۳۶۴.

- ۴- تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر ، براون ، ادوارد ، ترجمه دکتر بهرام مقدادی ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۶۹ .
- ۵- تاریخ عالم آرای عباسی ، ج ۱ ، ترکمان ، اسکندر بیک ، نشر امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۵۰ .
- ۶- قصص العلماء ، تنکابنی ، میرزا محمد ، کتابفروشی علمیه اسلامیة ، بی تا .
- ۷- مکارم الآثار (در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴) ، حبیب آبادی ، میرزا محمد علی ، نشر انجمن کتابخانه های عمومی اصفهان ، اصفهان ، بی تا .
- ۸- سفرنامه شاردن، شاردن ، ترجمه حسین عریضی ، چاپ اول ، نشر گلها ، اصفهان ، ۱۳۷۹ .
- ۹- حدایق الحقایق ، ج ۱ ، شیرازی ، محمد معصوم (معصومعلیشاه) ، تصحیح : محمد جعفر محبوب - چاپ اول ، کتابخانه بارانی ، تهران ، ۱۳۳۹ .
- ۱۰- تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۵ ، صفا ، ذبیح الله ، انتشارات فردوسی ، تهران ، ۱۳۶۷ .
- ۱۱- فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة ، ج ۲ ، قمی ، شیخ عباس ، نشر کتابخانه مرکزی ، تهران ۱۳۶۷ .
- ۱۲- کشکول ، ج ۱ ، محمد ، بهاء الدین (شیخ بهایی) ، چاپ ششم ، انتشارات شرکت طبع و نشر ، قم ، بی تا .
- ۱۳- کلیات اشعار و آثار فارسی ، محمد بهاء الدین (شیخ بهایی) ، بکوشش غلامحسین جواهری ، انتشارات کتابفروشی محمودی ، تهران ، بی تا .
- ۱۴- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب ، ج ۳ ، مدرس ، میرزا محمد علی ، چاپ دوم ، تبریز ، بی تا .
- ۱۵- تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال منجم یزدی ، ملاجلال الدین ، به کوشش : سیف الله وحیدنیا ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۶۶ .
- ۱۶- تذکره نصر آبادی ج ۱ ، نصر آبادی ، میرزا محمد طاهر ، تصحیح وحید دستگردی ، چاپ اول ، کتابفروشی فروغی ، تهران ، ۱۳۵۲ .
- ۱۷- ریاض العارفین ، هدایت ، رضا قلی خان ، به کوشش مهر علی گرگانی ، چاپ اول ، انتشارات کتابفروشی مخصوص ، تهران ، ۱۳۴۴ .
- ۱۸- تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان) ، همایی شیرازی ، جلال الدین ، به کوشش ماهدخت بانوهمایی ، چاپ اول ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۵ .

مجموعه ها

۱- دانشنامه جهان اسلام

۲- دایرة المعارف تشیع

منابع عربی

- ۱- الهاشمیات (فی مدح بنی هاشم ، بتفسیر ابی ریاش احمد بن ابراهیم القیسی)، الاسدی، کمیت بن زید ، لندن ، ۱۹۰۶ .
- ۲- اعیان الشیعه ، ج ۹ ، الامین ، السید محسن ، تحقیق : حسن الامین ، دارالتعارف للمطبوعات ، بیروت ، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م .
- ۳- لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث ، البحرانی ، الشیخ یوسف بن احمد ، تحقیق : سید محمد صادق بحر العلوم ، نشر نعمان ، النجف الاشرف ، ۱۲۶۹ هـ .
- ۴- ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون ، پاشا، اسماعیل، وكالة المعارف ، استانبول ، ۱۳۶۶ هـ / ۱۹۴۷ م .
- ۵- نقد الرجال ، ج ۴ ، التفرشی ، السید مصطفی ، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث ، قم ، ۱۴۱۸ هـ .
- ۶- طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال ، ج ۲ ، الجالبقی البروجردی ، سید علی اصغر ، الطبعة الاولى ، منشورات مكتبة آية الله المرعشي النجفي ، قم ، ۱۴۱۰ هـ . ق .
- ۷- ریحانة الالباء ، ج ۱ ، الخفاجی ، شهاب الدین ، تحقیق : عبدالفتاح محمد الحلو ، الطبعة الثانية ، قاهرة ۱۳۶۸ هـ / ۱۹۹۶ م .
- ۸- روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات ، ج ۷ ، الخوانساری الاصبهانی ، محمد باقر، تحقیق: اسد الله اسماعیلیان ، مكتبة اسماعیلیان ، تهران ، ۱۳۹۲ هـ . ق .
- ۹- الاعلام ، ج ۶ ، زرکلی ، خیر الدین ، الطبعة الثالثة .
- ۱۰- معجم المطبوعات العربیة و المعریة ، ج ۲ ، سرکیس ، یوسف الیان ، الطبعة الاولى ، منشورات مكتبة آية الله النجفي المرعشي ، ۱۴۱۰ هـ .
- ۱۱- تراث العرب العلمی فی الرياضیات و الفلك ، طوقان ، قدری حافظ ، الطبعة الثالثة ، دار القلم ، قاهرة ، ۱۳۸۲ هـ / ۱۹۶۳ م .
- ۱۲- طبقات اعلام الشیعة (الکواکب المنشرة فی القرن الثاني بعد العشرة) الطهرانی ، آغا بزرگ ، الطبعة الاولى، منشورات جامعة طهران ، طهران ، ۱۳۷۳ هـ . ق .

- ۱۳- الادب و النصوص، عابدين ، ابراهيم و ديگران، وزارة التربية الكويتية، ط ۱۳، ۱۹۹۴ م.
- ۱۴- امل الآمل، ج ۱ ، العاملی ، محمد بن الحسن (الحر العاملی) ، تحقيق : السيد احمد الحسينى ، الطبعة الاولى ، مكتبة الاندلس ، بغداد ، ۱۳۸۵ هـ .
- ۱۵- سفينة البحار ، ج ۱ ، القمى، عباس ، الطبعة الاولى ، دارالاسوة للطباعة و النشر لمنظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية ، طهران ، ۱۴۱۴ هـ ق .
- ۱۶- الكنى و الالقاب، ج ۲ القمى ، عباس ، ، مطبعة العرفان ، صيدا ، ۱۳۵۸ هـ . ق .
- ۱۷- خلاصة الاثر فى أعيان القرن الحادى عشر، ج ۳، المحبى ، محمد امين بن فضل الله، ، مكتبة خياط ، بيروت ، ۱۲۹۰ هـ .
- ۱۸- الانوار النعمانية ، ج ۱ ، الموسوى الجزائرى، السيد نعمت الله ، مطبعة شركة چاپ ، تبريز ، ۱۳۸۰ هـ . ق / ۱۳۳۹ هـ . ش .